

احادیث و روایات

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :
مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذُلُّهُ .
چیز شست است، مؤمن انگیزه‌ای داشته باشد که او را خوار و زبون سازد .

چنین می پندارند همه گناهان بگردن دیده‌های انسان‌هاست زیرا در آغاز چشمان می بیند سپس دل علقه و علاقه یافته شیفته می‌گردد و چون فتنه‌گری‌ها از دیده آغاز میشود برای اینکه خود را از همه آلام، هموم نجات دهند نابودی دیده را آرزو مینمایند .

در روان‌شناسی این واقعیت کاملاً برعکس است و آزمایشات عینی آنرا تأیید مینماید .

اول تمایلات درون دل را بخواستن و تقاضا کردن و امیدارد سپس چشمان آنچه را که دل طلب کرده دنبال کرده در خارج می یابد و می بیند بعبارت دیگر انسان‌ها اول میخواهند و سپس می بینند فیلسوف بزرگ آخوند ملاصدرا شیرازی این واقعیت را در فصلی بنام اتحاد عاقل و معقول باثبات رسانیده‌است .
انسانی که تمام ذکر و فکرش سودجویی و

تغذیل انگیزه‌ها

آیادل گناهکار است یا چشم؟

خیلی‌ها بمانند با باظاهر عریان از تمایلات و رغبت‌های دل بستوه آمده آرزو میکردند که ایکاش خنجر برنده‌ای داشته یکباره بر چشمان هوسباز خود زده خویشان را از وسوسه‌های دل می-
رهانیدند .

با باظاهر در این باره میگوید :

زدست دیده و دل هر دو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بازم خنجری نوکش ز فولاد

زنم بر دیده نادل گردد آزاد

اشتباهی که اینگونه افراد میکنند اینست که

افزون طلبی است لامحاله هرچه می بیند
وهرچه میشوند بامعیار و ملاک سود جوئی
تجزیه و تحلیل نموده از آن برداشتی مادی
خواهد داشت .

اگر کسی گرفتار عشق مجازی باشد بهر کجا
برود و با هرچه تماس پیدا کند از همه آنها به
محبوب خود انتقال خواهد یافت علی علیه
السلام که دل خدا بین دارد بهر چه نگاه
میکند اول و وسط و آخر خدا را در آن چیز
می بیند **فَأَرَأَيْتَ شَيْئًا إِلَّا وَ قَدْ رَأَيْتَ اللَّهَ
قَبْلَهُ وَمَعَهُ وَعْدَهُ**

با این مقدمه معلوم میشود که چشم آدمی
بیگناه است و همه گناهان بگردن دل هوسباز
است اگر دل اصلاح شود دیگر نه چشم
خیانت کار وجود خواهد داشت و نه دست
زورمندی و عبارت دیگر با تزکیه نفس و
دل همه ناپاکی ها و زشتی جای خود را به
عاطفه و مهر و محبت خواهند داد بی جهت
نیست که خداوند متعال در سوره شمس
بخورشید و نورش و ماه و روشنائی اش که از
پس درآید و روز و روشنائی اش سوگند خورده
..... **سُبْحٰنَ مِیْقَمٰیهِ قَدَافِلِحِ مِّنْ رَّكِّیْهِا وَ قَدْ
حَآبَ مِّنْ دَسِیْهِا** یعنی هر که دل و جان را
مصفا کرد رستگار شد و هر که آنرا بیالود
زیانکار شد بی جهت نبود که یوسف صدیق
نالهای از دل بلند بوده میگفت **اِنَّ النَّفْسَ
لَا مَآرَةَ بِالسَّوْءِ اِلَّا مَآرَجِمَ رُبِّیْ** نفس هر کسی به
بدیها و زشتی دستور میدهد مگر آنکه خدایم
رحم کند .

خداوند در سوره آیه میفرماید همینکه
کار خاتمه پذیرد شیطان گوید خدا بشما وعده
صحیح و درستی داد و من نیز بشما وعده

دادم و تخلف کردم برابر شما سلطه و
تسلطی نبود جز آنکه دعوتتان کردم و شما
اجابت کردید پس بجای اینکه مرا ملامت و
سرزنش کنید نفسها و دلهایتان را شماتت
کنید !

در حقیقت شیطان نیز انجام گناه را بگردن
دل بی بند و بار می افکند و خویشان را از
ملامت میرهاند زیرا او فقط دعوت کننده ای
بیش نبوده است و اگر تنها دعوت کردن
بیدی و زشتی عامل انحراف و آلودگی
محسوب شود پس چرا انبیاء عظام و مردان
و زنان شایسته بفساد و تباهی نیفتادند با
اینکه شیطان آنان را نیز مشمول دعوت خود
قرار داده بود .

پس معلوم میشود که نکته اساسی در
سعادت و شقاوت انسانها اصلاح و تزکیه دل
و عدم آن است ناگفته نماند که منظور از
اصلاح دل تعدیل کردن تمایلات و غرائز
است نه سرکوب کردن آنها چنانچه خداوند
در قرآن میفرماید **سوره آیه : تَلٰكْ حُدُوْدُ
اللّٰهِ وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ
اِنَّهَا حُدُوْدُ الْهٰیهِ هَسْتَنْد** و هر که از حدود
الهی تجاوز کند همانا بخود ستم روا داشته
است نتیجه آنکه تمایلات نا روا و غیر
منطقی باید توسط موازین عقلی و شرعی -
تشخیص داده شده از انجام آنها خودداری
باید ورزید .

عزت و شرافت انسان در چیست ؟

اکنون این سؤال مطرح میشود که عزت چه
چیز است و انسان عزیز بچه کسی گفته
میشود؟ در آیات قرآن همه عزت ها و شکوهها
بخدائست داده شده است در سوره نساء آیه

۱۳۹ چنین آمده است فان العزة لله جميعا ،
 ودر سوره فاطر آیه ۱۰ میفرماید مَنْ كَانَ يُرِيدَ
 الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا یعنی عزت از آن
 پرورگار جهان است در سوره منافقون آیه ۸
 میفرماید وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ یعنی
 عزت از آن خدای و رسولش و مؤمنین است
 از ضم و انضمام این آیات با یکدیگر بدست
 میآید که هر شخص به برکت ایمان و گرایش
 بخدا عزت و شرافت واقعی پیدا میکند پس
 اصیل ترین شرافت ها در پرتو ایمان بخدا
 بدست میآید و از ایمان بخدا بالاتر و بهتر
 چیزی وجود ندارد .

در روایتی سؤال کننده‌ای از ابی عبدالله
 علیه السلام می پرسد که چه چیزی
 فضیلتش از همه بیشتر است؟ امام میفرماید
 چیزی که پذیرش همه اعمال وابسته بدان



است و آن ایمان بخدای یگانه است که از
 نظر درجه برترین و از نظر منزلت و موقعیت
 شریف ترین و از جهت ارزش و بهاء بالاترین
 چیزهاست از همه این احادیث و روایات
 استفاده می شود که همه عزت ها در ایمان

آوردن بخداست و هر قدر این ایمان و گرایش
 توسعه یابد شرافت آدمی نیز گسترش خواهد
 یافت نتیجتاً تمام عواملی که در کاهش
 ایمان مؤثرند از نقطه نظر دیگر از عوامل
 خوارکننده و زبون ساز انسان ها بشمار
 خواهد آمد . بعنوان مثال قطع رابطه با خدا و
 توسل یافتن ب مردم و درخواست انجام
 نیازمندیهای خود در عین اینکه نشانگر ضعف
 ایمان بخداست از جهت دیگری عامل
 خواری و زبونی انسان خواهد بود .

امام جعفر صادق علیه السلام در کتاب
 اصول کافی میفرماید : طَلَبُ الْجَوَائِجِ إِلَيَّ
 النَّاسِ اسْتِغْلَابٌ لِلْعِزِّ وَ مَذْهَبُهُ لِلْحَيَاءِ وَالْيَأْسِ
 مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِمَنْ فِي دِينِهِ وَالطَّمَعُ
 هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ بِرُطْفِ سَاخِنِ نِیَازمندیها
 توسط مردم بتدریج ابرو و حیثیت آدمی را
 بیاد میدهد و ناامید شدن از مردم و پیوستن
 بخدا عین عزت و شرافت مؤمن در دین و
 آئین اوست و آرزمندی خود فقر حاضری است .
 بنابراین از مقدمات این مقاله میتوان چنین
 استنباط کرد که هر انگیزه و رغبت تعدیل
 نشده‌ای عامل خواری و ذلت انسان است
 خواه این انگیزه مربوط به دنیا پرستی و فزون
 طلبی یا مقام پرستی و یا ارضاء غرائز طبیعی
 باشد بناچار برای نگهداشت آبرو و حیثیت
 باید جلوی تمایلات ناروا را گرفته انگیزه ها
 را تعدیل بخشیم تا بشرافت ایمانی ما
 لطمه‌ای وارد نشود فراموش نکنیم که امام
 جعفر صادق علیه السلام فرمودند چقدر
 زشت است که مؤمن انگیزه داشته باشد که
 او را خوار و زبون سازد .